



گفت و گوی صبا با عوامل نمایش کلفت‌ها

خوشه‌های خشم بردگان

نمایش «کلفت‌ها» اثر محبوب ژان ژنه این روزها به کارگردانی غزال کشوری در سالن استاد انتظامی خانه هنرمندان روی صحنه می‌رود. این نمایش به آثار مخرب تضاد طبقاتی و رابطه ارباب رعیتی در بعد روانشناختی آن و در غالب داستانی از خشم و انتقام‌گیری می‌پردازد. ندا قاسمی، حدیث علیزاده و زهرامظفریان بازیگران این نمایش هستند. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: خدمتکارهای خانم و آقا؛ کلر و سولانژ سودای انتقام و کشتن خانم و آقا را دارند. آنها با نقشه کلر، آقا را به دزدی متهم کرده و به زندان انداخته‌اند و خانم در دادگاه‌ها در جستجوی نجات آقا است. این بهترین فرصت برای این دو خواهر است که انتقام دیرینه خود از خانم را بگیرند و او را بکشند، اما تلفن زنگ می‌زند و با خبری همه برنامه‌های شان تغییر می‌کند. خانم به خانه باز می‌گردد و... در ادامه گفت و گوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

غزال کشوری؛ کارگردان:

روی بعد روانشناختی اثر تاکید داشتم

تئاتر برای شما چگونه آغاز شده است؟

من تئاتر را از ۸۸ و با کلاس‌های استاد سمندریان آغاز کردم و همزمان در دانشگاه تهران هنرهای زیبا تحصیلات آکادمیک در زمینه بازیگری و کارگردانی را شروع کردم، در سال ۹۳ فوق لیسانس کارگردانی را در دانشکده هنر و معماری گذراندم و در سال ۹۵ دوره‌های کارگردانی استاد کیومرث مرادی را در موسسه کارنامه پشت سر گذاشتم. بعد از آن در سال ۹۸ دوره‌های جامع کارگردانی را در موسسه پادمارت زیر نظر استاد کیومرث مرادی و اساتید دیگر گذراندم. در سال ۹۷ در پروژه «مرغ دریای من» به کارگردانی آقای کیومرث مرادی تجربه دستیار کارگردانی را داشتم و در حال حاضر نیز جدا از بخش اجرایی چند سالی است که مدرس دانشگاه هستم و در زمینه بازیگری و کارگردانی تدریس می‌کنم.

کلفت‌ها یکی از نمایشنامه‌های بسیار محبوب ژان ژنه است که بارها روی صحنه رفته، با این اوصاف دلیل انتخاب این نمایشنامه و دغدغه شما نسبت به آن چه بود؟

فضای زنانه‌ای که در متن کلفت‌ها وجود دارد و آن درون مایه‌های روانشناختی که این کاراکترها تجربه می‌کنند برایم از همان زمان دانشجویی که اولین بار این متن را خواندم بسیار جذاب بود و همیشه در گوشه ذهنم بود که روزی این اثر را با نگاه خودم کار کنم. اینکه در فضایی زنانه چگونه زنان می‌توانند بر علیه زنان دیگر باشند و تضادی که در این میان وجود دارد، تضادی که حتی امروز در جامعه ما نیز می‌توان مشاهده کرد. همانگونه که گفتید کلفت‌ها یک نمایشنامه شناخته شده است و در همه جای دنیا و در ایران بارها توسط کارگردان‌های مختلف کار شده اما آنچه برای من در مواجهه‌ام به عنوان یک زن با این اثر مهم و همواره دغدغه بوده، فضای زنانه اثر و روابط این دو کلفت با هم، ارتباطی که با خانم یا همان ارباب‌شان دارند و درونمایه‌های روانشناختی و عقده‌های حقارتی است که در این دو بر اساس تجربه‌های زیستی‌شان به وجود آمده بود. برای همین شروع به کار روی متن کردم، متن را بازنویسی کرده و پایان بندی‌اش را تغییر دادم و سعی کردم آن چیزهایی که دوست دارم بین این کاراکترها اتفاق بیفتد را با هدایت و تحلیل‌هایی که دارم به ثمر برسانم.

از همکاری با کیومرث مرادی و نقش ایشان در این پروژه بگویید.

من شاگرد ایشان بوده و هستم و همواره این دین استاد، شاگردی میان من و ایشان وجود دارد؛ استاد مرادی از شاگردانشان که این مسیر را جدی پشت سر می‌گذارند همواره حمایت کرده و می‌کنند که پیش‌تر از من نیز نمونه‌هایی مانند آقای کیهان پرچی با نمایش «باغ وحش شیشه‌ای»، آقای خشایار خلیل خانی با نمایش «سلام خداحافظ» و زیبا و آقای سینا راستگو با «نمایش مرگ و دوشیزه» بوده‌اند. استاد مرادی در این پروژه هم مشاور من بودند و هم سمت تهیه‌کنندگی اثر را بر عهده گرفتند و از همان ابتدا که متن را انتخاب کردم و در طول پروژه از نظرات و مشاوره‌های ایشان بهره بردم.

انتخاب بازیگران این کار به چه شکل بود؟

من پیش از این هم با یک بازیگر این کار یعنی خانم حدیث علیزاده همکاری کرده بودم و با توجه به توانمندی‌هایی که در ایشان سراغ داشتم برای این پروژه نیز انتخاب‌شان کردم. خانم ندا قاسمی و زهرامظفریان هم که دیگر بازیگران نمایش هستند، همراه با خانم علیزاده هر سه از شاگردان استاد مرادی هستند و بر اساس توانمندی‌های‌شان انتخاب شده‌اند.

دلیل استفاده از ماسک‌ها چه بود و این ایده چگونه شکل گرفت؟

ایده و ذهنیت پشت انتخاب ماسک‌ها تصویری بود که این دو کلفت از خانم‌شان دارند و مدام با توجه به آن هر شب بازی‌های روانی انجام می‌دهند و خود را جای خانم می‌گذارند و حتی نقش‌های خودشان را هم تغییر می‌دهند. چیزی که جذاب بود و باعث شد که ما بخواهیم به این ایده پردازیم این بود که ماسک به صورت نمادین تصور ذهنی این دو کلفت را از خانم‌شان به تصویر می‌کشد، همینطور این ماسک تصور آنها از خودشان را نشان می‌دهد. یعنی مادو صورتک به مخاطب نشان می‌دهیم که یکی تصویر یک زن پیر و مسن است و دیگری یک دختر جوان که در واقع تصویر ذهنی این دو کلفت از جایگاه خودشان و جایگاه خانم یا ارباب‌شان است که سال‌هاست در خانه او کار کرده و به او خدمت می‌کنند. ما دوست داشتیم به این سمت برویم که این فضا سازی و تصور ذهنی کلفت‌ها را به صورت یک بازی آیینی و نمایشی به تصویر در آوریم و چه چیزی بهتر از اینکه بخواهیم از ماسک استفاده کنیم و فضا را به این سمت و سو ببریم که هم ذهنیت این دو کلفت را به تصویر بکشیم و هم بتوانیم یک فضای خیلی نمایشی که مد نظرمان بود را خیلی زیباتر ارائه دهیم.

با توجه به اینکه وجود ماسک یک مقدار روی بیان بازیگرها تاثیر می‌گذاشت چگونه شد که از ماسک‌های کامل استفاده کردید؟

طراحی ماسک‌های این نمایش با آقای بهنام معیریان بود که از گرمورهای شناخته شده این عرصه هستند. با توجه به صحبت‌هایی که داشتیم این ماسک‌ها طراحی شد. البته ماسک محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند و ما هم نمی‌خواستیم از میکروفون هاش اف برای بازیگران استفاده کنیم و با تمام سعی و تلاشی که انجام دادیم بیش از این برای مان امکانی وجود نداشت و به هر حال صدا تا حدودی توسط

ماسک کاور می‌شود.

بعد اجتماعی رابطه ارباب رعیتی و تاثیر آن بر بعد روانشناختی اثر هم قابل تامل است.

طبیعتاً شرایط اجتماعی و ارتباط میان فرد بالا دست و فرد پایین دست با همین بعد روانشناختی گره خورده است چرا که نوع زیست و ارتباط است که آن عقده‌های حقارت را در این دو کلفت به عنوان طبقه فرودست ایجاد می‌کند و در نهایت به آن اتفاقات منجر می‌شود. این نمایش، داستان زندگی سخت و تحقیرآمیز کلفت‌های دوره‌ای در فرانسه و اروپا است و این در حالی است که ما در آمریکا هم با مسئله برده‌داری که عمومیت داشته آشنا هستیم و هنوز هم در شکل‌های دیگری آن را می‌بینیم و تجربه می‌کنیم هر چند که دیگر به آن شکل قدیمی و کلاسیک‌ش نباشد. تاثیر این نوع ارتباطات در بحث روانی و ایجاد خواسته‌ها و تمایلات سرخورده در کلفت‌های نمایش را نمی‌توان نادیده گرفت چرا که این‌ها کامل کننده هم و در امتداد یکدیگر هستند. همین روابط و بنیان‌های اجتماعی این بعد روانشناختی را تشدید می‌کند و به آن شکل می‌دهد. ولی چیزی که من شخصاً بیشتر روی آن تاکید داشتم بعد روانشناختی اثر بود و من به خاطر دغدغه‌های شخصی خودم تمرکز را بیشتر روی این بعد روانشناختی گذاشتم. ما امروز هم در جامعه اشکال مختلف این مسئله را می‌بینیم یعنی افرادی که به هر شکل یا نحوی در ارتباط با افراد بالا دست هستند و آن عقده‌های حقارت را زیست و تجربه می‌کنند که چه بسا باعث می‌شود که یک سری اتفاقات رقم بخورد و به جنایت، دزدی یا هر ناهنجاری دیگری ختم شود پس طبیعتاً این دو کامل کننده هم هستند و می‌ماند اینکه من به عنوان کارگردان بخواهم بیشتر کدام بعد قضیه را پررنگ کنم.

بعد روانشناختی این متن بسیار مهم است اما فراتر از آسیبی که رابطه ارباب رعیتی به رعیت یا در اینجا کلفت‌ها می‌زند خود کاراکتر خانم یا ارباب هم با توجه به بر آورده نشدن